

ستیز برای زیستن



کامیز نوروزی

حقوق‌دان

جای تأسف است که آمارهای قضائی سال‌هاست به‌طور منظم منتشر نمی‌شوند؛ فقط گه‌گاهی گوشه‌ای از این آمارها را باید به دشواری از میان سخنان مقامات ارشد قضائی پیدا کرد. آقای دادستان تهران می‌گوید: «در بازه زمانی سال‌های ۱۴۰۰ تا پایان ۱۴۰۴، تعداد کل پرونده‌های وارده به دادگستری استان تهران به ۱۴ میلیون و ۲۹۱ هزار و ۹۸۱ فقره رسید که در مقایسه با ۱۱ میلیون و ۶۸۷ هزار و ۷۴ فقره پرونده در دوره پنج‌ساله پیش از آن (۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹)، رشد ۲۲ درصدی را نشان می‌دهد». ایشان در ادامه گفته است: «تعداد پرونده‌های یکتای وارده در پنج سال اخیر به هشت میلیون و ۶۷۲ هزار و ۲۸ فقره رسیده که نسبت به شش میلیون و ۳۷۸ هزار و ۷۳ فقره در دوره قبل، ۱۶/۳ درصد افزایش داشته است». پرونده یکتا به پرونده‌ای گفته می‌شود که از ابتدای ثبت تا پایان فرایند دادرسی، یک شناسه واحد دارد. این آمار شامل پرونده‌های حقوقی و کیفری است. همچنین آمار کل پرونده‌های جاری جمعیت تهران جمعا ۴/۶ درصد افزایش داشته است. براساس آمار پرونده‌های یکتا، نرخ رشد تعداد ورودی پرونده‌های قضائی تهران ۲/۵ برابر و براساس نرخ رشد کل پرونده‌ها ۴/۷ برابر نرخ رشد جمعیت تهران بوده است. جمعیت تهران حدود ۱۰ درصد جمعیت کشور است. احتمالا تعداد پرونده‌های ورودی تهران کم‌وبیش حدود ۱۰ درصد پرونده‌های ورودی به دادگستری در کل کشور باشد. در این یادداشت آمار پرونده‌های یکتای تهران مبنای بحث است. جز برخی موارد استثنائی، هر پرونده بیانگر آن است که یک یا چند نفر مرتکب جرم شده‌اند (پرونده‌های کیفری) و تعهدات حقوقی و قراردادی خود را نقض کرده‌اند. هر پرونده قضائی، جز مواردی مثل گواهی‌ی انحصار وراثت، حداقل دو طرف و گاهی بیشتر دارد. در پرونده کیفری، شاکی و متهم و در پرونده حقوقی، خواهان و خوانده حضور دارند. با احتساب دو نفر در هر پرونده، در دوره ۱۴۰۰–۱۴۰۴ تعداد ۱۷ میلیون و ۳۴۰ هزار نفر دعوایشان آغاز شده است. این تعداد ۱۶/۷ درصد بیشتر از دوره ۱۳۹۵–۱۳۹۹ است. همه آدم‌ها متعلق به یک خانواده هستند. میانگین سالانه پرونده‌های ورودی در دوره پنج‌ساله آخر، یک میلیون و ۷۳۴ هزار پرونده است. جمعیت تهران طبق برآوردها سه میلیون و ۲۰۰ هزار خانوار است؛ یعنی بیش از نیمی از خانوارهای تهران در دوره مورد بحث یک پرونده کیفری یا حقوقی را آغاز کرده‌اند که در مجموع ۱۶/۷ درصد بیش از دوره ۱۳۹۵–۱۳۹۹ است. وقتی شما درگیر یک پرونده قضائی هستید، حداقل بخشی از زندگی‌تان معلق و بلا تکلیف است؛ مثلا بدهکاری‌د یا طلبکار، یا دعوا بر سر ملک است، یا دعوای خانوادگی، یا شاکی یا متهم یک جرم هستید. نتیجه پرونده شاید تمام آینده شما را تحت تأثیر قرار دهد. این بلا تکلیفی و ابهام، فشار روانی عمیقی ایجاد می‌کند و می‌تواند زندگی روزمره آدم‌ها را کم‌وبیش دچار اختلال کند. روند افزایشی آمار ورودی پرونده‌های قضائی در پنج سال اخیر به‌شدت رکودر شکسته است، هر اندازه پرونده‌های قضائی بیشتر شود، یعنی قانون بیشتر از زندگی کنار رفته است. گفته می‌شود تعداد پرونده‌های قضائی ایران دو برابر استانداردهای جهانی است. قوانین، جز مواردی مانند قانون تجارت یا قانون ثبت، با اختلاف ملازمه دارند. الزامات قراردادی هم یک تکلیف قانونی است و هم تکلیفی اخلاقی. سرتقت هم غیرقانونی است و هم غیراخلاقی. حسن رفتار زوجین با یکدیگر، ابتدا حکم اخلاق است و سپس حکم قانون. تعداد بسیار زیاد پرونده‌های قضائی، علاوه بر اینکه بیانگر نقض قانون است، حاکی از نقض اخلاق نیز هست. تعداد پرونده‌های قضائی اعم از حقوقی و کیفری، کف دعوایی است که در جامعه رخ می‌دهد. کم نیست آن مقدار دعوا که طرف‌های آن به هر دلیل به دادگاه مراجعه نمی‌کنند. در دوره ۱۴۰۰–۱۴۰۴ چه گذشته است که نسبت به دوره مشابه قبلی، منجر به افزایش شدید دعوای مردم و پرونده‌های قضائی شده است؟ هیچ‌گاه دستگاه‌های نظام حکمرانی سراغ این پرسش نرفته‌اند که چرا در روندی چند دهه ساله، تعداد نقض قانون و اخلاق و دعوای کیفری و حقوقی در ایران تا این اندازه زیاد و فزاینده شده است؟ اشکال در کجای نظام قانون‌گذاری، اجرائی و برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور است که تا این اندازه به تولید دعوا و بی‌ثباتی منجر شده است؟ رشد مستمر دعوا و نقض قانون و قرارداد و اخلاق و تشکیل پرونده‌های قضائی، روابط اجتماعی و بینافردی را فرسوده و دچار بی‌اعتمادی روزافزون می‌کند؛ زندگی به یک سستیز ناروا بدل می‌شود و شرایطی پدید می‌آید که برای زیستن در آن، قانون، اخلاق و قرارداد ارزش و کارکرد خود را از دست می‌دهند. آفتی اجتماعی که می‌توان نام بحران ستیز بر آن گذاشت.

چهارشنبه ۷ مرداد ۱۴۰۵
۱۴ صفر ۱۴۴۸
۲۹ جولای ۲۰۲۶
سال بیست و دوم
شماره ۵۴۳۹
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

«بامداد خمار»؛ فاصله میان متن و تصویر • ناگفته‌هایی درباره شرکت‌های تراستی • سود دولت از کاهش سهمیه بنزین چقدر است؟/ رامیز قلی‌نژاد

در «شرق» امروز می‌خوانید:

«شرق» زمزمه‌های افزایش قیمت سوخت را واکاوی می‌کند

بنزین در پیچ تصمیم

گزارش تیتریک را در صفحه ۳ بخوانید



روایت جامعه‌شناسان از ضعف نهادهای میانیچی تا تغییر شکل رفتارهای جمعی در ایران

غفلت در فهم نسل تازه

یادداشت

سلاخی شخصیت‌ها به‌جای نقد علمی



محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

با سیاسی‌چپ (مانند انکار مالکیت خصوصی یا اقتصاد دستوری) نیست، اما نادیده‌گرفتن آن، تحلیل تاریخی را به سطحی‌ترین شکل ممکن تقلیل می‌دهد. با وجود این، تفکر چپ در س‌های ارز‌شمندی برای ما داشته است؛ نادیده‌گرفتن انگیزه‌های پیشرفت، تأکید بر آزادی‌های مشروع و نیز نقد درست نظم استعماری پس از جنگ جهانی دوم از جمله این درس‌هاست. همچنین این حقیقت که کشورهای توسعه‌یافته، چه در دوران استعمار کهنه و چه در استعمار نو، منابع ملت‌های عقب‌مانده را به غارت برده‌اند، نکته‌ای است که نمی‌توان از آن غافل شد. از سوی دیگر، تحولات جهانی از دهه ۱۹۸۰ به بعد، با ظهور ریگانسم، تاج‌ریسم و «اجماع واشینگتن»، نئولیبرالیسم را به اوج خود رساند. فروپاشی بلوک شرق و نظریه «پایان تاریخ» فوکویاما، این گمان را تقویت کرد که لیبرالیسم تنها مسیر پیشرفت بشر است. اما امروز، با تضعیف نهادهایی مانند سازمان تجارت جهانی، روی‌آوری به تعرفه‌های حمایتی توسط آمریکا و شکل‌گیری پیمان‌های منطقه‌ای، نشانه‌هایی از افول نئولیبرالیسم نیز به چشم می‌خورد. حتی اقتصاددانان نئولیبرال ایرانی که زمانی بر سازوکار قیمتی برای اصلاحات اقتصادی اصرار داشتند، امروز کمتر بر آن تأکید می‌کنند. این

یادداشت

لایحه مقابله با جنایات بین‌المللی؛ تجلی عدالت کیفری ملی



صالح نقره‌کار

وکیل دادگستری

کتاب «قدرت» اثر برتراند راسل و کتاب کالبدشکافی اقتدار اثر گالبرایت یک دغدغه مشترک را برمی‌انگیزانند که زشت‌ترین و هولناک‌ترین صورت‌های قدرت در تاریخ- جولان حس مسئولیت‌ناپذیری و بی‌کیفرمانی است، اینکه صاحب زوری دست خود را مطلق بیند و دل بر خلق عالم کز کند. نظم حقوقی به دنبال قاعده‌پردازی برای کنترل قدرت و جلوگیری از خون‌ریزی و جنایت است. حال و پس از روزهای جنگی این دوران، نخستین جلسه مجلس شورای اسلامی، با بررسی لایحه یک‌فوریتی مقابله با جنایات بین‌المللی همراه شد؛ لایحه‌ای که صرفاً یک اصلاح قانون کیفری نیست، بلکه پاسخی حقوقی به یکی از مهم‌ترین خلاهای نظام عدالت کیفری ایران در مواجهه با شدیدترین جنایات علیه ملت ایران به شمار می‌آید. عارضه بی‌کیفرمانی جانیان

همیشه یک دغدغه در عدالت کیفری جهانی است. برای راهکارهایی سزاوار باید سراغ تقنین متناسب رفت. اما ملاحظات:
۱. پرسش بنیادین این است که آیا نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران امروز ابزارهای قانونی کافی برای تعقیب کسانی که علیه ملت ایران مرتکب جنایت جنگی، جنایت تجاوز، نسل‌کشی یا جنایت علیه بشریت می‌شوند، در اختیار دارد؟ پاسخ، دست‌کم بر اساس قوانین موجود، منفی است.
۲. اگر یک دولت خارجی به صورت سازمان‌یافته مراکز غیرنظامی، بیمارستان‌ها، مدارس، زیرساخت‌های حیاتی و شهروندان ایرانی را هدف حمله قرار دهد، آیا می‌توان این اقدامات را صرفاً در قالب عناوینی مانند قتل عمد، تخریب عمدی یا معاونت در قتل مورد رسیدگی قرار داد؟ بدیهی است که چنین رویکردی نه با ماهیت حقوق بین‌الملل کیفری سازگار است و نه پاسخ‌گوی ابعاد واقعی این جنایات خواهد بود.
۳. اصل تناسب و اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات از موازین بنیادین در نظم حقوقی است. در وضعیت کنونی، دستگاه قضائی ناگزیر است بسیاری از این رفتارها را ذیل عناوین سنتی حقوق کیفری داخلی مانند قتل، ایراد صدمه

دگرگونی‌ها نه اثبات درستی‌چپ قدیم است و نه شکست نهایی لیبرالیسم، بلکه گواهی بر این واقعیت است که هر پارادایمی، در تعامل با شرایط زمانه، به‌مرور دچار چالش و بازنگری می‌شود. پس از انقلاب اسلامی، برخی هواداران لیبرالیسم در ایران، با توجه به عملکرد جمهوری اسلامی و نیز سلطه روزافزون نئولیبرالیسم در جهان از دهه ۱۹۸۰ به بعد، بر سیاست‌هایی مانند آزادسازی اقتصادی، کوچک‌سازی دولت، حذف تعرفه‌ها و آزادی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اصرار می‌ورزیدند. اما امروز جهان در حال گذار از این مرحله است. از دوران نخست ترامپ، سازمان تجارت جهانی (WTO) تضعیف شده و پیمان‌های منطقه‌ای قوت گرفته‌اند. دولت آمریکا به وضع تعرفه‌های گمرکی روی آورده و در نمونه‌ای آشکار، رئیس‌جمهور لیبرال‌ترین کشور جهان، رئیس‌جمهور کشوری دیگر را می‌رباید و صراحتاً اعلام می‌کند نفت کشوری دیگر را در اختیار گرفته است، دقیقاً به‌روش استعمار کهنه. این تحولات نشان می‌دهد اگرچه چپ قدیم منسوخ شده، اما نئولیبرالیسم و دستورالعمل‌های نهادهای وابسته به آن نیز در حال افول هستند. امروز از «اجماع لندن» و برابر «اجماع واشینگتن»- سخن به میان آمده و «دهکده جهانی» مک‌لوهان، رهبری آمریکا، به گروه‌بندی‌های جدیدی تبدیل می‌شود. اگر امثال غنی‌نژاد دقیق‌تر بنگرند، درخواهند یافت که رویکرد ایشان نیز به‌مرور از اعتبار علمی و روزآمدی می‌افتد. حتی اقتصاددانان نئولیبرال ایرانی که همواره بر سازوکار قیمتی برای اصلاحات اقتصادی تأکید داشته‌اند، امروز دیگر چندان بر آن اصرار نمی‌ورزند. کاش جناب غنی‌نژاد جایگاه اندیشه خود را در جهانی که به‌سرعت در حال شکل‌گیری است بازنگری کنند. پیش از آنکه نسل آینده درباره ایشان همان قضاوتی را داشته باشد که او درباره روشنفکران پیشین دارد. امیدوارم آن نسل، برخلاف ایشان، کینه و خشم خود را چنان آشکار نسازد.

«شرق» در گفت‌وگو با شهروز شریعتی معادلات ایران و غرب آسیا را در میانه تلاش‌های میانجیگرانه برای مهار بحران، ارزیابی می‌کند

تهران میان دو سناریوی متضاد

۲

برگزیده‌ها

حمله گسترده پهبادی به پایتخت روسیه هم‌زمان با نشست زلنسکی و ترامپ در کاخ سفید

استراتژی جدید واشینگتن در قبال اوکراین

جزئیات جلسه رونمایی از کتاب «نزاع بر سر شهر» به قلم علی اعطا

«نزاع بر سر شهر»؛ بحث درباره شیوه اداره تهران

در نشست تخصصی «توسعه و امنیت آبی» با موضوع واکاوی ابعاد راهبردی انتقال آب دریا مطرح شد

هفت عامل تشدیدکننده بحران آب پایتخت

۷

یادداشت

جنگ یا مهار جنگ



مراد راهداری

دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه

بعضی اصرار بر ادامه جنگ دارند و عزت کشور ما را در این راهبرد می‌بینند. معتقدند باید با همه قدرت با دشمن جانی‌تکر رفتار کرد و اگر آتش‌بس یا مذاکره‌ای نیز در کار باشد، باید با زور قدرت آنها را به میز کشاند و امتیازات مورد نظر را گرفت. قطعاً تحت شرایطی، این راهبرد صحیح است. به قول شاهنامه: بدو گفت رستم که ای شهپیار/ مجوی آشتی اندر این کارزار
نبد پیش‌تر آشتی را نشان/ برین روز گرز من آوردشان
بعضی دیگر معتقدند شرایط ناترازی‌ها، به‌گونه‌ای نیست که آستانه تحمل و تاب‌آوری مناسبی را نشان دهد و قدرت جنگی نمود باز و قابل مقایسه‌ای داشته باشد. ازاین‌رو بر خویش‌ن‌داری و تصمیم عقلایی به اقتضای شرایط تأکید می‌کنند و مصلحت‌جامعه را در راهبردی می‌نگرند که اقتضای شرایط ماست و آن حاکم‌تر تلاش برای مهار جنگ به شیوه عزتمدارانه، زیرکانه و هوشمندانه با بهترین نتایج ممکن است.
دسته اول، تفکر مقابل خود را به‌طور فشرده و فوری به‌کار می‌گیرند و به‌طور فوری نیز نسبت داده می‌شوند. متقابلاً دسته دوم نیز معتقدند تدرویی‌های دسته اول و بی‌توجهی به شرایط و اقتضای مملکت، سبب شرایط موجود می‌شود. مدیران کشور، بسته به گرایش‌های فکری یا مصالحی که احساس می‌کنند، سخنان دیپلوم و گاه غیرشفاف می‌زنند تا هیچ طرفی را از خود ترد نکندند. بنابراین ضروری است این تعارض به عنوان یک مسئله در چارچوب مبانی عقلی و علمی مورد مذاقه قرار گیرد. بدیهی است در حیات جمعی بشر، جنگ اصالت ندارد و پدیده‌ای عارضی است. اصل بر حسن ارتباطات و مهربانی است. و آن جَنَاحُوا لِلسَّلَام فَاجْتَنِبْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَیْهَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ. (انفال: ۶۱). اما اگر جامعه‌ای ناخواسته مورد تهاجم قرار گرفت، چگونه باید رفتار کند؟ تاریخ بشر حالات مختلف را نشان می‌دهد. حتی تاریخ اسلام نیز یک رویه را تعیین نکرده است. در جنگ‌های کشورهای مختلف نیز شاهد رفتارهای چندانکه هستیم، حتی در تاریخ جنگ‌های ایران، مثل جنگ با روس، قبل از شکست و از دست دادن سطح قابل توجهی از سرزمین، بعضی از خردورزان گفته بودند توان قوا برقرار نیست و کاری شود تا جنگ نشود، اما چنین نشد و شد آنچه نباید می‌شد. علم و دین بر اقتضایی‌بودن موضوع تأکید دارند و همین سبب اختلاف در راهبردهای اجراشده توسط جوامعی است که مورد ظلم و هجوم دشمن واقع می‌شوند و همین سبب شده به نتایج متفاوتی رسند؛ گاه شکست خورده‌اند، گاه پیروز شده‌اند و در مواقعی نیز نه برد و نه باخت را تجربه کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۴